

## روزشمار

سه شنبه

۸ خرداد ۱۳۵۸

۳ رجب ۱۳۹۹

۲۹ مه ۱۹۷۹

۲۴۸

با اعتصاب غذای اعضای کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر و تظاهرات مردم در حمایت از خلع سلاح عمومی و درگیری عناصر خلق عرب در گمرک و شهادت دو پاسدار ، بحران در این شهر وارد مرحله تازه‌ای شد . امروز در چهارمین روز تحصن اعضای کانون مزبور به همراه ستاد پاسداران و گروهی از مردم و کسبه این شهر ، ۳۰۰ تن از متحصنان دست به اعتصاب غذا زدند . (۱) از سوی دیگر ، از ساعت ۳۰ : ۹ صبح راهپیمایی با حضور روحانیان خرمشهر به حمایت از استاندار خوزستان صورت گرفت . تظاهرکنندگان ضمن دادن شعارهایی در تأیید استاندار در زمینه اعزام تکاوران دریایی جهت برقراری نظم در خرمشهر ، خواستار خلع سلاح عمومی و بازداشت عاملان فاجعه خرمشهر شدند . در این راهپیمایی همچنین مردم خواستار استفاده از پاسداران غیربومی برای کنترل شهر شدند . (۲) خبرنگار کیهان تعداد تظاهرکنندگان را صد هزار تن ذکر کرده است . (۳)

کمتر از ساعتی مانده به ظهر ، عامل جدیدی برای اوج‌گیری بحران پدید آمد و خبری بسرعت در افواه منتشر شد و آن این بود که عناصر خلق عرب به تلافی خلع سلاح ۳ تن از همکاران خود ، به گمرک خرمشهر حمله کردند و دو پاسدار انقلاب را به شهادت رسانده‌اند . مـا جـرا از ایـن قـرار بـود کـه در سـاعت ۱۱ : ۳۰ عـده‌ای - که در بعضی مطبوعات حدود ۲۰ تن اعلام شد - قصد ورود به گمرک خرمشهر از در " فعلیه " را داشتند که با ممانعت یکی از پاسداران روبه‌رو شدند ( احتمالاً برای نشان دادن موضع قدرت و خنثی کردن تاثیر مسئله خلع سلاح در بازار ) که به درگیری کشید و بعد از درگیری وی را به شهادت رساندند و پاسدار دومی را نیز با ضرب گلوله به شهادت رسانیدند . (۴)

در مورد علت این اقدام عناصر خلق عرب و چگونگی آن در گزارش‌های دیگری به نقل از مکتوبات برخی از نیروهای نظامی حاضر در محل چنین آمده است : « همزمان با شروع مذاکرات خلع سلاح ، سه نفر از عناصر خلق عرب توسط تکاوران در بازار خلع سلاح شدند . عناصر فوق به

انتقام خلع سلاح دو نفر ، یک پاسدار و دیگری نگهبان گمرک را به شهادت رسانیدند . ( ۵ )  
 اما اطلاعیه دولت در این باره حاکی است : « در روز سه شنبه ۵۸/۳/۸ هشت نفر که به طور قاچاق وارد مرز شده بودند در نزدیکی انبار گمرک با یکی از پاسداران درگیر شده او را خلع سلاح کرده و به قتل می‌رسانند و پاسدار دیگر را نیز که برای کمک آمده بود به قتل می‌رسانند . ( ۶ ) به گزارش کیهان مهاجمان ۱۵ نفر بودند که دو تن از آنها مجروح و دستگیر شدند و تحت معالجه و بازجویی قرار گرفتند . کشته‌شدگان یکی از اعضای گارد بندر به نام “ یدالله رحمتی ” اهل خرم آباد و دیگری “ محمدابراهیم طاهری ” از پاسداران انقلاب بودند . از چندی پیش شب‌ها عده‌ای به گارد بندر به طور مسلحانه حمله می‌کنند و کالاها و فشنگ‌ها و ... را به سرقت می‌برند . ( ۷ )

به هر حال به دنبال حادثه گمرک ، در خرمشهر وضعیت فوق‌العاده اعلام شد و گمرک این شهر و نخلستان‌های اطراف به محاصره نیروهای پاسدار و ارتش درآمد و جست‌وجوی وسیعی برای شناسایی عاملان قتل آغاز شد . همچنین نقاط حساس شهر تحت مراقبت شدید نظامیان درآمد و به ارتش و شهربانی آماده‌باش داده شد . ( ۸ )

شب هنگام ، تشییع جنازه “ شهید رحیمی ” – که توسط اقوام وی در حال انتقال به خرم‌آباد بود - و شهید دیگر ، به تظاهراتی چندین هزار نفره تبدیل شد . هزاران تن به طرف مسجد امام صادق ( ع ) ( مسجد آیت الله شبیرخاقانی ) رفتند و شعار دادند که انتقام خون این شهیدان را از عاملان آن خواهند گرفت . ( ۹ )

در این حال ، در پی بحرانی شدن اوضاع خرمشهر ، مدنی استاندار خوزستان در ساعت ۵ بعدازظهر وارد این شهر شد و بلافاصله در کمیسیون بررسی امنیت که با حضور مسئولان اداری ، سیاسی و نظامی شهر تشکیل شد شرکت کرد که تا نیمه شب ادامه یافت . ( ۱۰ )

از حدود ساعت ۲۲ مذاکراتی بین وی و مسئولان شهری و برخی از روحانیان با برادر شبیرخاقانی و تنی چند از نمایندگان وی انجام شد . در این جلسه نمایندگان آیت الله آل شبیر اعلام کردند که سران قبایل گفته‌اند ۲۴ ساعت دیگر مهلت لازم است تا قضایا به طور مسالمت آمیز حل و فصل شود . لذا توافق شد که موضوع خلع سلاح تا روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۳/۱۰ به تعویق افتد . ( ۱۱ )

در همین زمینه ، دولت موقت با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد : « به دنبال تحسن سه‌شنبه ۵۸/۳/۸ پاسداران در مسجد جامع مبنی بر این که مانع انجام کار آنان می‌شوند “ آیت الله شیخ شبیرخاقانی ” با استاندار مذاکراتی داشتند که در آن تصمیم می‌گیرند که دولت تا روز پنجشنبه به سازمان‌های سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی خلق عرب مهلت بدهد تا مکان‌های دولتی را تخلیه کنند و اسلحه‌های خود را تحویل دهند . « ( ۱۲ )

۲۴۹

در نشریه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی در مطلب مفصلی با عنوان “ گزارش چگونگی وقایع در خرمشهر ” مندرج در شماره ۳۱ این نشریه حوادث امروز ( سه شنبه هشتم خرداد ) به

شرح زیر توصیف شده است :

« ساعت ۹ صبح در حدود سه هزار نفر از اهالی شهر ( عمدتاً از میان کسبه ، پیشه‌وران ، بازاریان و تجار ) به دعوت کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر به طرفداری از مدنی استاندار خوزستان دست به راهپیمایی می‌زنند . این راهپیمایی به دنبال پخش شایعه‌ای بود مبنی بر تغییر مدنی از سمت استانداری خوزستان و جانشین شدن یکی از افراد مورد نظر شیخ محمد طاهر به این سمت . در این راهپیمایی شعارهایی علیه تجزیه‌طلبان ، شیوخ مرتجع و کمونیست‌ها داده می‌شود و طی قطع‌نامه‌ای ضمن محکوم کردن سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان و کانون فرهنگی عرب ، خواستار انحلال این مراکز و خلع سلاح افراد و سازمان‌های غیرمسئول و دستگیری و مجازات مسببین و عاملین حمله و آتش‌سوزی ستاد پاسداران انقلاب اسلامی و کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر می‌شوند . این راهپیمایی از جلو مسجدجامع ( محل متحصنین طرفدار کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر ) و بازار صفا ( پایگاه اصلی نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی و امام ) شروع می‌شود و در یکی از خیابان‌های نزدیک به مرکز شهر خاتمه می‌یابد . در این راهپیمایی و همچنین در قطع‌نامه آن کمترین اشاره‌ای به حقانیت اعراب در طرح حقوق ملی و قومی خود نمی‌شود و عملاً جریان‌های سیاسی خلق عرب تماماً ضدخلقی و ضدانقلابی معرفی می‌شود و فعالیت‌های آنان به سود ضدانقلاب ، استعمار و ارتجاع ، قلمداد می‌شود . این راهپیمایی همچنین از آن جا که به هواداری از مدنی انجام شده است و اختلافات شیخ محمد طاهر با مدنی زبان‌زد خاص و عام است ، عملاً حرکتی در جهت مخالفت بی‌پرده با شیخ محمد طاهر محسوب می‌شود . مقارن انجام این راهپیمایی ، در حدود ساعت ۱۱ صبح عده‌ای جوان عرب مسلح به اسلحه سرد ( چاقو و دشنه ) به در ورودی فعلیه ( یکی از درهای ورودی اداره بندر خرمشهر در قسمت شمال غربی شهر و در حاشیه ساحل شرقی شط العرب [ ارون رود ] ) مراجعه می‌کنند و به عنوان کارگر استیو دورینگ ( یکی از شرکت‌های پیمانکاری که قریب ۴۰۰۰ کارگر دارد ) قصد ورود به داخل محوطه بندر را دارند . دو نفر از پاسداران مسلحی که از روز قبل به عنوان کمک به گارد ثابت بندر و ظاهراً به درخواست رئیس اداره بندر ( مهندس دیده‌ور ) در این قسمت مستقر شده بودند ، از آنها تقاضای “ پاس ” ( ورقه عبور ) می‌کنند و افراد مسلح مدعی می‌شوند که ورقه عبورشان در دست سرکارگشان که روی اسکله است می‌باشد و چنانچه به آنها اجازه داده شود ، آن را پس از ورود از سرکارگر مزبور گرفته ، ارائه خواهند داد . مذاکرات به این ترتیب به مشاجرات تبدیل می‌شود .

افراد به ظاهر کارگر ، پاسداران را کاملاً در محاصره خود می‌گیرند ، وقتی که یکی از مأمورین ثابت گارد گمرک برای اطلاع از چگونگی مواقع به آنها نزدیک می‌شود ، او را هم محاصره کرده اسلحه کمربند را با سرعت از او می‌گیرند و پس از تیراندازی به او یکی از پاسداران دیگر را نیز خلع سلاح می‌کنند ( به این ترتیب دو قبضه یوزی و ژ-۳ به دست می‌آورند ) و با سرعت متواری

می‌شوند. در این حادثه مأمور گارد ثابت گمرک و یکی از پاسداران به قتل می‌رسند و چند نفر نیز زخمی می‌شوند.

به دنبال این واقعه، مأمورین گارد گمرک دست از کار می‌کشند و به عنوان اعتراض سلاح‌های خود را تحویل می‌دهند و متحصن می‌شوند. ماجرای حمله به بندر و کشته شدن دو نفر پاسدار و مأمور وسیله مناسبی می‌شود برای گسترش تبلیغات علیه احزاب مسلط و سازمان‌های آنها. به این ترتیب در مراسم تشییع جنازه و به خاک‌سپاری دو نفر مزبور، سخنرانی‌های بسیار تحریک‌آمیزی ایراد می‌شود.

در پایان گزارش نشریه کار آمده است: «واقعه حمله به در خروجی بندر به تشکیل جلسه امنیت شهر در فرمانداری منجر می‌شود. در این جلسه عده‌ای از روحانیون صاحب قدرت و مرتجع، معاون استاندار و فرمانده نیروی دریایی خرمشهر، «سرگرد خوشنام» - که بلافاصله بعد از انقلاب ارتقاء درجه یافته با وجود گذشته تاریک خود به «سرهنگ خوشنام» تبدیل می‌شود - فرماندار خرمشهر، یعنی محمدرضا علوی از افراد یکی از خانواده‌های ثروتمند خرمشهر، شرکت دارند.» (۱۳)

۲۵۰

در بازتاب وقایع امروز خرمشهر، یونایتدپرس طی گزارشی اعلام کرد: چریک‌های عرب امروز با نیروهای دولتی به زد و خورد پرداختند. این زد و خوردها در شهر بندری خرمشهر روی داد و گزارش‌های رسیده حاکی است که تیراندازی‌های شدید به مدت سه ساعت ادامه داشت. به نظر می‌رسد این اقدام به تلافی تظاهرات ضدعرب که در شهر اتفاق افتاده بود، صورت گرفته است. این تیراندازی‌ها در حالی صورت گرفت که طرفداران دولت به منظور درهم شکستن اعتصاب بیست و چهار روزه کارکنان بندر، اعلام یک راهپیمایی دیگر کرده‌اند. این اعتصاب، بزرگترین بندر کشور را فلج کرده است. (۱۴)

۲۵۱

خبرنگار روزنامه کیهان از اهواز گزارش داد: «امروز بیش از صد هزار نفر از طبقات مختلف مردم شهر اهواز و مجاهدین اسلامی عشایر زرگان به دعوت جامعه روحانیت اهواز در تأیید و حمایت و پشتیبانی از تیمسار دکتر احمد مدنی استاندار خوزستان و نیز محکوم کردن عاملین سوءقصد به جان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند و در حالی که پیشاپیش صف راهپیمایان روحانیون مبارز و مجاهد اهواز شرکت داشتند، شعار «مدنی پیروز است، تجزیه طلب نابود است» و «منافقین بدانند راه نفوذ ندارند»، گفته می‌شد. راهپیمایان بعد از عبور از چند خیابان وارد حسینیه اعظم شدند و به سخنرانی حجت الاسلام خزعلی که پیرامون مقام و شخصیت والای رهبر انقلاب امام خمینی و فعالیت‌های پی‌گیر تیمسار مدنی استاندار خوزستان به تفصیل سخن می‌گفت، گوش فرا دادند و در پایان قطع‌نامه‌ای قرائت گردید. بازار اهواز نیز بکلی تعطیل بود و عموم بازاریان در این راهپیمایی بزرگ شرکت داشتند و در

پایان راهپیمایی پیام حضرت آیت الله محمد کرمی توسط سید محمد نوری یکی از طلاب حوزه علمیه اهواز در حسینیه اعظم این شهر به زبان عربی قرائت شد. در این پیام تمام اقشار به همبستگی و وحدت کلمه و اتحاد و اتفاق بیشتر در پاسداری از اهداف انقلاب اسلامی ایران دعوت شدند. « (۱۵)

## ۲۵۲

آیت الله ربانی شیرازی که در راس هیئتی به مناطق کردنشین سفر کرده است، وعده داد که کمیته‌های مرکب از کردها و ترک‌ها که امور انتظامی شهر نقده را به عهده می‌گیرد، تشکیل خواهد شد. به نوشته روزنامه اطلاعات در جلسه‌ای که با حضور آیت الله ربانی شیرازی، استاندار آذربایجان غربی و فرماندار مهاباد و برخی دیگر از مقامات در مهاباد تشکیل شد ضمن اتخاذ تصمیم در مورد تشکیل کمیته‌ای مرکب از برادران کرد و ترک به طور مشترک، قرار شد تا آوارگان شهرستان نقده به محل سکونت خود بازگردانده شوند و دولت نیز خسارت وارده به آوارگان را پرداخت کند. « (۱۶)

## ۲۵۳

به دنبال حمله اشراار و سازمان‌های مسلح به روستاهای مناطق غرب کشور، به نوشته روزنامه اطلاعات نیروهای ارتش و پاسداران انقلاب برای سرکوب آنان وارد عمل می‌شوند. در این گزارش آمده است: «در پی حمله اشراار به روستاهای مناطق غرب کشور که تا کنون منجر به کشته شدن ۱۴ نفر و غارت احشام روستاییان شده است، در جلسه مسئولین منطقه تصمیم گرفته شد که برای حفظ نظم و امنیت در مناطق غرب، ارتش وارد عمل شود. معاون سیاسی و اداری استانداری کرمانشاه در این باره گفت: علی‌رغم دایر بودن پاسگاه‌های ژاندارمری در منطقه و آمادگی آنان برای دادن خدمات نظامی برای پاکسازی منطقه از اشراار، تصمیم گرفته شد از یگان‌های ارتش و پاسداران انقلاب نیز کمک گرفته شود که پس از اطلاع وزیر کشور از این تصمیم، واحدهای نظامی برای برقراری امنیت از صبح روز ۵۸/۳/۸ در منطقه مستقر شدند. این تصمیم در جلسه‌ای که با شرکت نماینده امام خمینی، معاون استانداری کرمانشاه، فرمانده ناحیه ژاندارمری کرمانشاه، معاون لشکر ۸۱ زرهی و فرمانداران شهرهای اسلام‌آباد، قصرشیرین، فرمانده هنگ ژاندارمری قصرشیرین و رؤسای کمیته‌های قصرشیرین، اسلام‌آباد، ایوان غرب، ایلام، گیلان غرب و سرپل‌ذهاب در فرمانداری اسلام‌آباد تشکیل گردید، اتخاذ شد. « (۱۷) در همین حال روزنامه کیهان نوشت: «در اثر درگیری‌های منطقه ذهاب صدها نفر از اهالی سرپل‌ذهاب و آبادی‌های اطراف در هنگ ژاندارمری قصرشیرین متحصن شده و خواستار رسیدگی به وضع امنیتی منطقه شدند. « (۱۸)

## ۲۵۴

در پی تحرکات عناصر مشکوک در منطقه ترکمن‌صحرا، دادستان گنبد کاووس با انتشار اطلاعیه‌ای در مورد «توطئه‌های ضدانقلاب» هشدار داد و اعلام کرد: این گروه سعی در

برافروختن آتش اختلافات تازه‌ای در میان مردم را دارند . ( ۱۹ )

در خصوص نوع تحرکات یادشده ، گزارشی که در شماره امروز کیهان تحت عنوان “زمینه‌ای برای توطئه‌ای دیگر در گنبد” درج شد ، می‌تواند مورد توجه قرارگیرد . در این گزارش مفصل - که از محتوای آن چنین به نظر می‌رسد که یک گروه انقلابی هوادار نظام حاضر در منطقه آن را تهیه کرده - چنین آمده است :

« گنبد شهری با مناظر طبیعی و زیبا در منطقه‌ای حاصل خیز و سرسبز واقع شده است که هم از نظر اقتصادی ( کشت و تولید پنبه ، گندم و دام ) و هم از نظر استراتژی ( شهری مرکزی که ارتباط زیادی با نقاط دیگر و از جمله مرز ایران و شوروی دارد ) بسیار با اهمیت می‌باشد .

این شهر هم مانند شهرهای ایران از ظلم و جنایت رژیم پهلوی برکنار نمانده است و مردم آن تحت استثمار شدید رژیم و وابستگان آن قرار گرفته و حقوق و دسترنجشان را ارباب‌ها و امرای ارتش می‌چاپیدند و می‌خوردند . مردم این شهر از تیره‌های مختلفی : ترکمن ، فارس ، ترک ، سیستانی و ... هستند که هم در زمان پادشاهان پیشین و هم دودمان پهلوی حقوق همه آنها پایمال شده و از طریق نظامی سرکوب شده‌اند . هزاران هکتار از بهترین زمین‌های حاصل خیز ، مراتع انجمن سلطنتی اسب ، ساختمان‌های بزرگ ، کارخانه‌های صنعتی بزرگ و دام‌های فراوان از اموالی است که رژیم و وابستگانش از مردم ستمدیده آن غارت نموده‌اند . از نظر فرهنگی مردم نسبت به شهرهای دیگر کم رشد یافته‌تر هستند و بویژه در بسیاری از روستاهای این منطقه هنوز مدرسه وجود ندارد . مردم ترکمن علاقه شدیدی به فرهنگ و زبان خود دارند که با فشار و اختناق دولت سابق فرهنگ آنها لطمه شدیدی خورده و محرومیت‌های فرهنگی به آنها تحمیل نموده‌اند .

پس از درگیری بین ترکمن‌ها و غیرترکمن‌ها ( که نقشه‌ای حساب شده از طرف منافقان و فرصت‌طلبان برای به دست آوردن فرصتی برای رشد خود بود ) نیروهای چپ از دو مسئله ( نیاز شدید مردم و علاقه شدید به فرهنگ و سنت‌هایشان ) استفاده کردند و در لباس طرفداری از فرهنگ و نژاد آنها برای نفوذ در مردم استفاده نمودند . مطرح نمودن خواسته‌های درازمدت به جای خواسته‌های کوتاه مدت ، فرصت ندادن به دولت ، تحریک کارگران به اعتصاب ، همه زمینه‌هایی برای بحرانی کردن منطقه می‌باشند .

اشتباهاتی از طرف کمیته قبلی و انتصاب اشتباه فرماندار سابق ( مادرشاهی ) موجب تشدید بحران و ایجاد زمینه برای نفاق پراکنی بین توده مردم شد . از طرف دیگر با توجه به مشکلات دولت و توطئه‌های فئودال‌های این منطقه علیه دولت ، ستاد مرکزی شوراهای ترکمن‌صحرا از این استفاده نموده و علیه دولت بازرگان تبلیغات سوء می‌نماید .

ما به تمام خلق‌های این منطقه هشدار می‌دهیم که توطئه دیگری از طرف منافقان و فرصت‌طلبان ، فئودال‌ها و وامانده‌های رژیم سابق علیه مردم و دولت طرح‌ریزی شده است و این منافقان می‌خواهند دولت را رو در روی مردم قرار دهند و خود از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و تنها

هشیاری مردم این منطقه جلو آن را خواهدگرفت .

به خاطر افشا نشدن حقایق ، مردم دهات ترکمن‌نشین را تحریک کردند که هرکس از آن جا گذشت او را بگیرند حتی اگر ماموران دولتی باشند و عملاً در چندین روستا گروه‌های تحقیق و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گنبد را که برای تحقیق و رساندن آذوقه و کمک به مستضعفین رفته بودند ، تا رسیدن مامور از طرف ستاد ، چند ساعت بازداشت کردند و مانع کارشان شدند . البته توده مردم ترکمن بسیار مهربان و مهمان‌نواز هستند اما متأسفانه تبلیغات سوء ستاد موجب دوری بیشتر آنها از خلق‌های دیگر می‌گردد و زمینه را برای توطئه‌ای دیگر آماده می‌کند ؛ برای مثال وقتی در چندین روستا برای تشکیل شورا و رسیدگی به اوضاع ده مراجعه شد ، چند نفری که از طریق ستاد قبلاً تعیین شده بودند نه تنها نگذاشتند که شوراهای قانونی برای مردم جهت برآورده شدن نیازهایشان ایجاد شود ، بلکه از صحبت کردن مردم با سپاه پاسداران جلوگیری می‌کردند زیرا که از فاش شدن حقایق می‌ترسند ، حقایقی که کمونیستی بودن ستاد را روشن نماید .

برای رشد فرهنگی مردم ، کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن از طرف جوانان فعال و مبارز ترکمن تشکیل شد و فعالیت شدیدی را آغاز نمود و چون این کانون را مخالف مقاصد فرصت‌طلبانه خویش دیدند ، با حمله به این کانون تمام اموال و ماشین‌های چاپ آن را مصادره نمودند و ساختمان آن نیز هنوز در دست آنهاست . چندین هزار تومان کتاب به غارت رفت و پوستره‌های نمایش پاره شدند . در اعلامیه‌ای که از طرف ستاد داده شد آنها را مرتجع خوانده و جوانان فعال آن را تهدید نمودند که آنها پراکنده شده و مخفیانه فعالیت خود را ادامه می‌دهند . سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا این مردم هستند که مرتجع را از مترقی تشخیص می‌دهند یا عده‌ای معلوم‌الحال ؟ ! عده‌ای که از رشد آزادی و رشد اسلام واهمه دارند . مشخص است کسی که نتواند با منطق روبه‌رو شود و می‌داند که از راه منطقی شکست می‌خورد ، جز حمله و غارت کار دیگری نمی‌تواند بکند .

از نظر اقتصادی با توجه به تولیدات پنبه و گندم ، قبلاً بهترین زمین‌های حاصل‌خیز دست امرای ارتش ، وابستگان رژیم و فئودال‌ها بود و هم‌اکنون مشکل بزرگ زمین در این منطقه مشکلاتی دیگر ایجاد نموده است که فقر در روستاها ، کمبود محصول ، احتمال درگیری بر سر برداشت و از بین رفتن محصول ، تعدادی از آن مشکلات هستند . متأسفانه باز به تحریک همان افراد معلوم‌الحال ! بسیاری از زمین‌ها را به جای کشت پنبه ( که به کارگران زیادی احتیاج دارد ) آفتابگردان کاشته‌اند و در نتیجه بسیاری از کارگران و دهقانان را بیکار نموده و هم‌اکنون این دهقانان از نظر آذوقه در فقر شدید بسر می‌برند .

تنها با نگاهی به روستاها وضع فلاکت‌بار مردمی که رژیم خائن به دست فئودال‌ها برای این مردم درست نموده‌اند گویای این مطلب است که آشفتگی در منطقه آنها تنها به ضرر این توده محروم و فشار بیشتر آنها می‌گردد ، طبقه‌ای که فئودال‌ها و اربابان ۵۰ سال یا بیشتر خون آنها را

مکینند و به جای آن ، فقر و فلاکت ، بی‌فرهنگی ، بی‌بهداشتی را برای این مردم ستم‌دیده به جای گذاشتند . روستاها فقیرتر از شهر بوده و از نظر حمام و راه شدیداً در مضیقه‌اند و آنچه مسلم است همین توده با استفاده از آزادی ، ره‌آورد انقلاب ، به پا خواسته و با تأیید خدا و زیر پوشش جمهوری اسلامی حقوق خود را از آنها خواهند گرفت . و اما هم اکنون تحریکاتی علیه دولت و قانون از طرف ستاد مشاهده می‌گردد و این نشانه‌ای از برای توطئه‌ای جدید است و حاصل آن مسلماً به جز جنگ و خونریزی - که به نفع منافقین و فرصت‌طلبان است ، چیزی نخواهد بود . « (۲۰)

۲۵۵

اجتماعی که تحت عنوان کنگره وکلای دادگستری ایران با شرکت طیفی خاص از وکلای دادگستری ، قضات و استادان دانشگاه از روز پنجم خرداد در کاخ دادگستری واقع در تهران برگزار شد ، امروز پس از طرح مطالب مفصل و متنوعی علیه نظام جدید ، با صدور قطع‌نامه‌ای پایان یافت . موضوعات مورد بحث در این کنگره طبق اعلام قبلی عبارت بودند از مطالبی چون ضرورت استقرار و وحدت و تمرکز قوه قضائیه براساس استقلال و انفکاک آن از قوای مقننه و مجریه ، مصونیت قضایی ، ضرورت حق دفاع از طریق انتخاب وکیل مدافع و نظایر آن . اما در عمل این کنگره بسرعت رنگ سیاسی گرفت . خلاصه‌ای از آنچه طی چهار روز برگزاری کنگره گذشت ، ذیلاً ارائه می‌شود . این گزارش همراه با ضمیمه و گزارش بعدی ، نمودار و تصویری از حساسیت‌ها ، جناح‌بندی‌ها ، ترکیب‌ها و معادلات بشدت پیچیده سیاسی در وضعیت کنونی

کشور است : در جلسه نخست این کنگره که صبح روز ۱۳۵۸/۳/۵ برگزار شد ابتدا دکتر “مبشری” وزیر دادگستری به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت : امروز دیگر برای ملت روشن است که اختناق منافع بیگانه را تضمین می‌کند و آزادی منافع ما را . پس باید جلو اختناق را بگیریم .

سپس دکتر “علی شایگان” رشته سخن را به دست گرفت و با تأکید بر استقلال قوه قضائیه در قانون اساسی برای اجرای عدالت در جامعه ، خطاب به حاضران کنگره گفت : مطمئنم که این کنگره تصمیماتی اتخاذ خواهد نمود که برای حفظ حقوق مردم بسیار مؤثر خواهد بود .

پس از آن امیرانتظام معاون نخست وزیر پیام مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت



عباس امیر انتظام

معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت



راقرات کرد. در بخشی از این پیام چنین آمده است: دیو استبداد و دسایس دشمنان، چنان در کشورمان کهنه و ریشه‌دار است که هنوز باید مبارزه و انقلاب ادامه داشته و به خواست خدا و فداکاری خلق به پیروزی‌های دیگر برسیم.

به دنبال آن، دکتر "کریم سنجابی" وکیل دادگستری و وزیر خارجه درباره نقش قوه قضائیه در تأمین آزادی و عدالت و امنیت اجتماعی سخنرانی کرد. پس از اتمام سخنرانی وی، یکی از بانوان حاضر در جلسه از دکتر سنجابی پرسید: شما که از حق و عدالت سخن رانیدید، نظرتان درباره بازداشت ۴۳ نفر از چریک‌های فدایی\* چیست؟ دکتر سنجابی پاسخ داد: به نظر من اگر گروه یا دسته سیاسی را صرفاً به خاطر آن که دارای افکار ویژه‌ای می‌باشند بازداشت کنند، این عمل را محکوم می‌نمایم، اما اگر اعمال دیگری مرتکب شده باشند که بر خلاف قوانین و موازین موجود باشد، البته مسئله دیگری است.

یکی از شرکت‌کنندگان درباره خودمختاری برخی از خلق‌ها نظر دکتر سنجابی را جویا شد. سنجابی پاسخ داد: من با خودمختاری این خلق‌ها موافقم و باید در نظر داشت که خودمختاری را نباید به حساب تجزیه‌طلبی گذارد. من اطمینان کامل دارم که خلق‌های ایران هرگز خواهان تجزیه نمی‌باشند و این به کرات در تاریخ گذشته ایران به ثبوت رسیده است. کردهای ایران در طول تاریخ همواره با بیگانه بر سر وحدت ایران جنگیده‌اند و خلق کرد به ایران و ایرانی بودن عشق می‌ورزد، بنابراین نباید خواست‌های منطقی آنان را به حساب تجزیه‌طلبی گذارد و اگر خدای نکرده روزی تجزیه صورت گیرد، در درجه اول خود این خلق‌ها زیان آن را خواهند دید. این خلق‌ها به وظایف خود آگاهی کامل دارند و هرگز خواهان تجزیه نیستند، اما خودمختاری حق مشروع آنان است که باید به شکلی با حفظ وحدت ملی، جامه عمل پوشد.

به گزارش مطبوعات سپس آقای "مجاب" رئیس کانون وکلای دادگستری فارس پشت تریبون قرار گرفت و به سؤالات حاضران پاسخ داد. از وی درباره بازداشت چریک‌های فدایی خلق سؤال شد، نامبرده ضمن تأیید سخنان سنجابی، گفت: «این ۴۳ نفر از طرف مراجع دادگستری بازداشت نشده‌اند.» براساس این گزارش، جواب وی باعث تشنج جلسه گردید، عده‌ای اعتراض می‌کردند که پس نقش قوه قضائیه چیست؟ سرانجام حسن نزیه رئیس کانون وکلا و عضو هیئت رئیسه کنگره توضیح داد که وقتی در خوزستان با ده نفر از کارگران صنعت نفت در این باره گفتگو کرده است، پنج نفر معتقد بوده‌اند که این عده به حق بازداشت شدند و پنج تن

---

\* ظاهراً این افراد جزء کسانی هستند که در تاریخ ۳۱ فروردین سال ۵۸ در دفتر سازمان چریک‌های فدایی خلق در آبادان دستگیر شده‌اند که خبر آن در روزشمار همان روز درج شده است. لیکن درباره تعداد افراد بازداشت شده اتفاق نظری وجود ندارد. رادیو لندن در همان روز تعداد آنها را ۲۵ نفر ذکر کرد و نشریه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز از "۴۱ فدایی بازداشت شده" سخن به میان آورد (نشریه کار، سال اول، شماره ۱۰، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸، صفحه ۰۶).

دیگر مشکوک بوده و عقیده داشته‌اند که دولت باید رفع شبهه کند. نزیه به حاضران جلسه قول داد که شخصاً این موضوع را پی‌گیری کند زیرا کارگران صنعت نفت هم به حل این موضوع علاقه‌مندند. (۲۱)

دومین جلسه کنگره سراسری کانون وکلای دادگستری مقارن ظهر ۱۳۵۸/۳/۶ برگزار گردید. پس از رسمیت جلسه، دکتر «انوری» نایب رئیس کانون وکلا پشت تریبون قرار گرفت و طی سخنانی گفت: پس از دوهزار و پانصد سال اختناق اکنون که درهای آزادی بر روی ملت ایران باز شده، چه باید بکنیم که حقوق ملت تأمین شود. این روزها که فوق‌العاده حساس است، روزهای بسیار مهمی است، زیرا قانون اساسی مطرح است. ما خواستار آنیم که کلیه تجربیاتی که تا کنون در قوانین اساسی کشورهای جهان اخذ گردیده و موجب احقاق حق و سربلندی مردم آزاده گیتی شده، در قانون اساسی ایران گنجانیده شود. دیروز گفته شد که قانون اساسی به صورت یک درجه‌ای تصویب خواهد شد. اگر چنین است باید با نظر حقوق‌دانان کلیه حقوق اساسی مردم در این قانون رعایت شود. در قانون اساسی جدید باید حق تفسیر قوانین عادی به قوه مستقل محول شود و مهمتر از همه آن که قوه قضائیه کاملاً مستقل شود و قوه مجریه در آن دخالت نداشته باشد و قضاوت باید در کلیه دادگاه‌ها یکسان باشند و برای قاضی یک دادگاه استان نسبت به دادگاه شهرستان هرگز اولویت قائل نشوند. (۲۲)

«حسن نزیه» رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز و مدیرعامل شرکت ملی نفت که ضمناً کنگره را به عهده داشت، دومین ناطق این جلسه بود. وی طی سخنانی جنجال‌برانگیز گفت: امروز همه می‌پرسند چه خواهد شد؟ به کجا می‌رویم؟ حضرت آیت الله پریروز می‌گفته چرا سستی می‌بینم، چرا دیگر حرارت روزهای قبل را نمی‌بینم؟ جواب فوق‌العاده ساده است، مردم می‌بینند هرکسی صبح از خواب پا می‌شود برای مملکت دستورالعمل صادر می‌کند، برنامه اقتصادی می‌دهد، برنامه‌ریزی می‌کند و همه اینها مردم را به نگرانی و اضطراب و یأس و ناامیدی سوق می‌دهند. باید به این مسائل رسید.

نزیه افزود: در مبارزه مردم مسلمان ایران بر علیه استبداد، هرگز اسلام و قرآن فراموش نخواهد شد. روزی که نهضت مقاومت ملی درست فردای ۲۸ مرداد تشکیل شد ما در کنار آیت الله طالقانی بودیم، ما در کنار یکی از مظاهر روحانیت بودیم و هستیم و خواهیم بود و نباید ابداً برای هیچ مقامی اعم از روحانی یا غیرروحانی این اعتقاد پیدا شود که اگر مثلاً من یکی گفتم جمهوری ایران، خدای ناکرده تزلزل در اعتقاد من پیدا شده است، هرگز. ما در میان افرادی که ملبس به لباس روحانیت نیستند اشخاصی مثل مهندس بازرگان را داریم که با همه گرفتاری‌ها این مرد چند وعده نمازش هرگز ترک نمی‌شود. آیا چون در کسوت روحانیت نیست جای تردید در تدین او به اسلام هست؟ اگر مثلاً مهندس بازرگان گفت جمهوری دمکراتیک اسلامی، خدای ناکرده چون در لباس روحانیت نیست، تردید کنیم؟ نگوئید این حرف‌ها را! من از حضور امام خمینی استمداد می‌کنم خدمتشان خواهم رفت و خواهم گفت فراموش نکنید که سیاست

استعماری مبنی بر “ تفرقه بینداز و حکومت کن ” بود و هنوز هم جای خودش هست . در پاریس چندین بار خدمت امام رسیدیم ، از ایشان سؤال می‌شد حکومت اسلامی چیست ؟ در آن جا روزنامه فیگارو تصویری کرده بود از حکومت اسلامی که یعنی چادر و چاقچور ، یعنی سنگسار ، یعنی خانه‌نشین کردن زنان ، یعنی دست بردن دزدان . بنده خدمت آقا عرض کردم چه کنیم که این شُبّه در مطبوعات و جراید از بین برود ؟ فرمودند هدف حکومت اسلامی چیزی جز استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی نیست . گفتم پس به تعبیری باید بگویم یعنی اجرای تمام و کمال اعلامیه جهانی حقوق بشر . گفتند در همین حد . گفتم می‌دانم اسلام پایه‌گذار حقوق بشر است ، بنابراین با کمال سربلندی باید بگویم حکومت اسلامی یعنی استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی ... ولی نمی‌دانم چرا اخیراً عده‌ای می‌روند خدای ناکرده ایشان را تشبیه به بعضی مسائل می‌کنند و هر روز مشکلی بر مشکلات افزوده و گره کوری بر گره‌های کور اضافه می‌شود .

نزیه در ادامه سخنان خود گفت : یکی از اهداف این کنگره این است که هیئتی را انتخاب کنیم برویم خدمت امام بگوییم برای همکاری آمده‌ایم ، برای رفع سوء تفاهات آمدیم . دیدیم که خود امام متوجه اشتباهاتی که دادگاه‌ها کردند ، تدروی کردند ، شدند ، خودشان تصحیح کردند و ایشان فرمان دادند که دیگر کسی جز آدم کش نباید محکوم به اعدام بشود . ولی اشتباه دادگاه سبب شد که افراد بی‌گناهی ( البته از نظر عدم ارتکاب جرم آدمکشی ) اعدام شوند ... اگر ما فکر کنیم تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی را می‌توانیم در قالب اسلامی بسازیم ، آیات عظام هم می‌دانند این امر در شرایط حاضر نه مقدور است ، نه ممکن و نه مفید . ( ۲۳ )

سومین جلسه کنگره نیز در روز ۱۳۵۸/۳/۷ تشکیل گردید . به نوشته روزنامه اطلاعات ، در سومین روز کنگره جمعیت بیشتری از روزهای قبل سالن اجتماع کاخ دادگستری و کریدورهای اطراف آن را پر کرده بود . سخنرانی حسن نزیه رئیس کانون وکلا و مدیرعامل شرکت ملی نفت در انتقاد نسبت به مسائل جاری مملکتی ، جمعیت بیشتری را راهی کنگره کرده بود و قضات و وکلای دادگستری هنگام روبه‌رو شدن با نزیه ، از سخنان وی تمجید می‌کردند .

اولین سخنران جلسه سوم “ اکبر عطار کاشانی ” وکیل دادگستری بود که درباره مصونیت قضایی و آزادی دفاع وکیل صحبت کرد . وی در بخشی از سخنان گفت : ساواک هنوز هم دست‌اندرکار است و در همین عدلیه مقامات سابق ساواک دست‌اندرکارند . در همین کانون وکلای دادگستری برخی از اعضای هیئت مدیره از عمال رژیم گذشته‌اند . ما باید اکنون قانون اساسی بنویسیم که آیندگان به ما لعنت نکنند . قانون اساسی جدید باید حقوق دمکراتیک جامعه را تعیین کند ، یعنی استقلال و آزادی و اصل مصونیت قضات .

متأسفانه در حال حاضر ، با وجود آن که چهار ماه از انقلاب می‌گذرد ، ما دو عدلیه داریم . ما وقتی می‌بینیم دستور می‌دهند کتاب‌های صادق هدایت را جمع کنند ، دیگر نمی‌توان از عدلیه صحبت کرد . هنوز بعد از ماه‌ها که از انقلاب گذشته ، هزاران قراردادی که با امپریالیست‌ها داریم

ملغی نشده است. مطبوعات ما انقلابی نیستند، مطبوعات ما آزادی ندارند، ما انقلاب نکرده‌ایم که مطبوعات به زنجیر اختناق کشیده شوند.

سپس یکی از بانوان وکیل، نطق کوتاهی درباره حقوق زن ایراد کرد و متذکر شد زنان ایرانی قبل از اسلام از تساوی حقوق با مردان برخوردار بوده‌اند و در کارهای اجتماعی همدوش مردان شرکت داشته‌اند و حق نیست که ما آنان را از برخی حقوق محروم نماییم. به نوشته مطبوعات، سخنرانی بانوی وکیل با ابراز احساسات شدید حضار روبه‌رو شد.

ناطق دیگر این جلسه "دکتر هدایت الله متین دفتری" نایب رئیس کانون وکلای دادگستری بود. متین دفتری گفت: دیروز آقای نزیه به تفصیل فرمایشاتی فرمودند که خیال من و بسیاری از همکاران را آسوده کردند و باری را از دوش ما برداشتند و بسیاری از مکنونات قلبی ما را بیرون ریختند. ما نباید فراموش کنیم که ما مهمترین لحظات تاریخ زندگی خود را به عنوان یک ملت می‌گذرانیم، مبارزاتی را پشت سر گذاشته‌ایم، رژیم شیطانی واژگون شده است و اکنون موقع آن رسیده که منشور این مبارزات و این انقلاب، یعنی یک قانون اساسی، یعنی یک قرارداد اجتماعی برای ما نوشته شود که سال‌های سال حافظ حقوق و حدود ما باشد. چون در شرایط فعلی اصلاً و ابداً بر ما که مردم این آب و خاکیم، بر ملت ایران معلوم نیست که چه کسانی مشغول تدوین این منشور حیاتی این مردم هستند. می‌ترسم قبل از این که توده‌های مردم بتوانند بگویند که چه می‌خواهند، با یک رای آری یا نه روبه‌رو شویم و بالاخره با یک همه‌پرسی، سندی بر ما تحمیل شود. این قراردادی است اجتماعی که باید تمام توده‌ها، تمام اقشار و طبقات این مردم که در این انقلاب سهیم بودند در تدوین آن هم سهیم باشند. ما هنوز انقلابمان به سرانجام نرسیده و نخواهد رسید و اگر حقوق و آزادی‌های مردم ما تأمین نشود، بزرگترین دست‌آورد انقلاب ما که آزادی بوده است حفظ نشود و مردم آزادانه نتوانند به مبارزات خود ادامه دهند، امپریالیسم نه تنها از بین نخواهد رفت، بلکه روزبه‌روز سلطه آن بر ما بیشتر خواهد شد.

متین دفتری با اشاره به دستگیری و ابستگان سازمان چریک‌های فدایی گفت: وقتی که این ۴۲ نفر - که اکنون خانواده‌هایشان پس از مایوس شدن از تمام مراجع به این جا روی آورده‌اند و در اینجا تحصن کرده‌اند - تازه دستگیر شده بودند، خانواده‌هایشان به کانون وکلا آمدند. آقای نزیه محبت کردند و گفتند من راجع به این کار تحقیق می‌کنم. گفته شد که دلایلی علیه این توقیف شدگان پیدا شده که باید رسیدگی شود. در آن زمان گفتیم خواهش می‌کنیم این دلایل رو شود که ما بدانیم و اکنون پس از گذشتن هفته‌ها نه تنها رسیدگی به کار اینها نشده بلکه جوان برومند دیگری به نام "اخوان" که در فلسطین معروف به حماد شیبانی (ضمیمه دارد) شده بود و جزو مجاهدین فلسطین می‌جنگید، بدون هیچ دلیل توقیف شده و در زندان بسر می‌برد.

متین دفتری افزود: ما می‌بینیم در گزارش‌های روزنامه‌ها، در گزارش‌های رادیویی و تلویزیونی، صحبت از دادگاه‌های انقلاب می‌شود، ولی نتیجه عمل اینها را وقتی که بررسی

می‌کنیم می‌بینیم آنچه که شایسته انقلابی مانند انقلاب عظیم ملت ایران بود که منجر به واژگونی رژیم ۵۰ و چند ساله شد، منجر به آزادی مردم شد، اکنون برای ما وجود ندارد.

پس از متین دفتری دکتر "فرج الله پورسرتیپ" وکیل دادگستری درباره دادرسی و قانون اساسی جدید گفت: دستگاه نظارت بر قانون اساسی باید وجود داشته باشد و اگر این دستگاه به وجود نیاید، تضمینی هم برای اجرای صحیح آن وجود نخواهد داشت. ناطق ضمن سخنان خود گفت: به شخصیت بارز امام خمینی احترام می‌گذاریم و از ایشان می‌خواهیم که به حرف‌های ما توجه شود. ما اگر دستگاه حاکم را اقناع کنیم که دادگستری مقتدری باید در مملکت وجود داشته باشد، قبول خواهند کرد. (۲۴)

چهارمین و آخرین جلسه کنگره سراسری وکلای دادگستری در روز ۵۸/۳/۸ برگزار شد. به نوشته روزنامه اطلاعات، در آغاز جلسه تاج‌گلی از طرف خانواده‌های ۴۲ نفر از چریک‌های فدایی خلق که از زندان آزاد شده‌اند، به پاس قدردانی از خدمات کنگره در آزادی انسان، به کنگره تقدیم شد. (۲۵)

اولین سخنران جلسه امروز دکتر "خلیل آذرپور" بود. وی طی سخنانی گفت: استقلال قوه قضائیه بدون استقلال سیاسی و اقتصادی هرگز مقدور و میسر نیست و اگر تحت قوانینی به ما بگویند که قوه قضائیه مستقلاً داریم، من هرگز باور نخواهم کرد، زیرا ما هنوز قراردادهای تحمیلی با امپریالیست‌ها و در رأس آنها با امپریالیسم امریکا را لغو نکرده‌ایم، پس چگونه می‌توان از استقلال سیاسی و اقتصادی دم زد. بنابراین استقلال قضایی هم هرگز وجود نخواهد داشت.

ناطق سپس به وضع مطبوعات کشور اشاره کرد و آن را تأسفانگیز خواند و گفت: چرا در رادیو و تلویزیون در این موقع حساس مناظره بین گروه‌های مختلف وجود ندارد، چرا رادیو و تلویزیون در محاق سانسور فرو رفته است.

دکتر آذر سپس درباره انقلاب و ضدانقلاب بحث کرد و نتیجه گرفت که جنبه داخلی ضدانقلاب خطرناک‌تر از جنبه خارجی ضدانقلاب است و گفت: من در این جا با صدای بلند می‌گویم وطن در خطر است. قانون اساسی در خطر است. من پیشنهاد می‌کنم که تمام وکلای دادگستری و اعضای کنگره در این جا تحصن اختیار کنند. مسئله ساده‌ای نیست، وطن در خطر است. با فکل و کراوات نمی‌توان مسائل را حل کرد، من لباس راحتی پوشیده‌ام که امروز این جا تحصن کنیم. ما قانون اساسی می‌خواهیم، ما می‌گوییم قانون اساسی بدون شرکت حقوق‌دان‌ها، قانون اساسی نمی‌شود.

در پاسخ به این سخنان، حسن نزیه از اعضای هیئت رئیسه گفت: پیشنهاد تحصن باید به وسیله هیئت رئیسه و کمیسیون قطع‌نامه مورد بررسی قرار بگیرد و البته ما این پیشنهاد را مورد بررسی قرار خواهیم داد و از این که می‌بینیم در این دو روز قیافه‌ها باز شده و با انعکاس جریان‌ات این کنگره، مردم به آینده امیدوار شده‌اند، بسی باعث خوش‌وقتی است. در دو روز گذشته از

تمام افشار به من تلگرافاتی رسیده است که کنگره وکلای دادگستری را مورد ستایش قرار داده‌اند . « دکتر آذر با فریاد گفت : « آقای نزیه ! مسئله تحصن مهم است ، شما اگر مقاومت نکنید هرگز به مطلوب خود دست نخواهید یافت . با صدور یک قطع‌نامه کار درست نمی‌شود ، همه باید با هم تحصن کنیم . خلیل آذر اسامی عده‌ای را به عنوان کمیته تدارک تحصن خواند . ( ۲۶ )

پس از سخنرانی دکتر خلیل آذر ، به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی از سخنرانی دکتر کاشانی از وکلای مسلمان ( ۲۷ ) به این بهانه که نام سخنران در لیست اسامی سخنرانان قرار ندارد ، به دستور هیئت رئیسه کنگره جلوگیری به عمل آمد . ( ۲۸ ) ( خبر ضمیمه دارد . ) در پی آن ، جلسه کنگره بشدت متشنج شد و در نتیجه حسن نزیه اعلام تنفس کرد . وی پس از تنفس گفت : هیئت رئیسه و کمیسیون قطع‌نامه با تحصن موافقت نمی‌کنند .

پس از آن در پایان کنگره قطع‌نامه‌ای در ۱۶ ماده به شرح زیر قرائت شد :

۱ - کنگره با درود فراوان ، سپاس قلبی وکلای دادگستری ایران را به حضور رهبر انقلاب ایران " امام خمینی " ابراز می‌دارد و از پیام صمیمانه جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی تشکر میکند .

۲ - کنگره در برابر رادمرد بزرگ تاریخ ایران " دکتر محمد مصدق " سرتعظیم و تکریم فرود می‌آورد .

۳ - کنگره به همه شهدایی که در مبارزه علیه فساد و استبداد سلسله پهلوی و علیه امپریالیسم و غارتگری‌های خارجی و مبارزه برای استقلال ملی جان باخته‌اند ، درود می‌فرستد .

۴ - کنگره با توجه به سخنرانی‌ها و مباحثاتی که در طول چهار روز انجام گرفت ، اعلام می‌دارد :

الف : طرح قانون اساسی باید هرچه زودتر در معرض افکار عمومی قرار گیرد ، طرح قانون اساسی قبل از رفراندوم باید به وسیله مجلس مؤسسان به تصویب برسد . نمایندگان مجلس مؤسسان باید از طریق انتخابات آزاد و مستقیم توسط مردم به نسبت معقول و به طور معین انتخاب شوند . مراجعه مستقیم به آرای عمومی قبل از تصویب طرح قانون اساسی در مجلس مؤسسان ، مقرون به مصلحت ملت نیست .

ب : برای انجام انتخابات مجلس مؤسسان لازم است جمیع آزادی‌ها برای کلیه احزاب و گروه‌ها و جمعیت‌ها و افراد تأمین و تضمین گردد .

ج : تضمین آزادی کامل مطبوعات و انتشارات و استفاده مساوی همه احزاب و گروه‌ها و جمعیت‌ها از وسایل ارتباط جمعی لازمه تدوین صحیح قانون اساسی و انتخابات صحیح مجلس مؤسسان می‌باشد .

۵ - نظر به این که ملت ایران منشا کلیه اقتدارات مملکتی است و قوای مملکت و اعمال این قوا به هر صورت و در هر حال باید به طرق مطمئن زیر نظارت عامه ملت باشد و نظر به این که حقوق اساسی آحاد و افراد مردم باید از هر لحاظ و تمام و کمال تضمین گردد ، به طوری که

برخورداری آحاد افراد مردم از این حقوق عملاً تضمین شود. قوای سه‌گانه باید از یکدیگر منفک باشند و قوه قضائیه مستقل و منفک از قوای دیگر، شرایط لازم و اصلی استقرار حاکمیت مردم است. برای ایجاد قوه قضائیه مستقل، تحقیق شرایط آتی الذکر ضرورت قطعی دارد:

الف: تصریح و تأکید اصل استقلال و غیر متغیر بودن قضات دادگستری.

ب: تصریح و تأکید این اصل که انتصابات مشاغل قضایی توسط شورای منتخب قضات انجام گیرد و در انتخاب قضات جز صلاحیت علمی و اخلاقی هیچ قید و شرط دیگری اعم از جنس و مذهب و غیره نباید ملحوظ گردد.

ج: مصونیت قضات دادگستری در تمام سطوح اعم از محاکم و یا دادسراها و در تمام زمینه‌ها اعم از مادی و معنوی باید تضمین گردد.

د: معیشت قضات محاکم و صاحب‌منصبان دادسراها به تناسب وضع آنها از هر لحاظ باید تأمین گردد تا دچار نگرانی و بیم اعاشه خود و خانواده‌هاشان نباشند.

۶ - آحاد و افراد مردم بدون هیچ گونه تبعیض باید از صیانت قضایی، حقوق انسانی و اساسی خود تمام و کمال برخوردار باشند، این مهم با تضمین و اجرای قواعد آتی الذکر تحقق می‌پذیرد.

۷ - محاکم دادگستری مراجع صالح برای تمیز حق هستند و این اصل عام باید در مورد کلیه اختلافات افراد با یکدیگر و با سازمان‌های مملکتی و بلدی در هر زمینه در نظر گرفته شود.

۸ - محاکم اختصاصی نافی اصل شمول صلاحیت و اقتدار محاکم عمومی دادگستری است و تشکیل هرگونه محکمه اختصاصی مردود اعلام می‌گردد.

۹ - این اصل که صدور حکم و تمیز حق ملازم با رسیدگی دارد و احکام باید موجه و مدلل باشند، باید به معنی واقعی رعایت گردد.

۱۰ - رسیدگی دو درجه‌ای برای جلوگیری از تضییع حقوق آحاد و افراد ضرورت قطعی دارد.

۱۱ - به هیچ عنوان نباید حق مراجعه آحاد و افراد مردم به دادگاه‌های صالح محدود گردد.

۱۲ - آحاد و افراد مردم برای صیانت حقوق خود باید از حق دفاع آزادانه و نامحدود برخوردار باشند.

۱۳ - سیستم قضایی ایران باید آن دسته از مردم که استطاعت تأمین موجبات حق دفاع را ندارند مورد حمایت قرار دهد. در این طریق سیستم صیانت قضایی به صورت عرضه خدمات دفاع به شکل مناسب باید تأمین گردد.

۱۴ - تأمین حق و دفاع مطلق و آزادانه افراد جز با تأمین مصونیت و کیل در امر دفاع صورت پذیر نیست، لذا مصونیت وکلای دادگستری در ایفای وظایف شغلی و حرفه‌ای آنان باید با تصویب و اجرای قوانین و مقررات روشن و صریح تضمین گردد.

۱۵ - دولت باید برای برقراری سیستم صیانت قضایی بودجه مکفی در اختیار ارگان‌های

صلاحیت‌دار قوه قضائیه و سازمان‌های صنفی و کلا قرار دهد .

۱۶ - تسریع در بازگشت به حکومت دائمی قانون از طریق تصویب و اجرای قانون اساسی متضمن اصول فوق‌الذکر ، مورد تقاضای شرکت‌کنندگان در کنگره است . «

علاوه بر قطع‌نامه مذکور ، علی‌شاهنده عضو هیئت مدیره کنگره پیامی خطاب به ملت ایران قرائت کرد که در آن آمده است :

تا تشکیل مجلس ملی دائمی ، ما می‌خواهیم که کنگره‌ای مرکب از نمایندگان همه احزاب و گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی و غیرسیاسی ، اقلیت‌های مذهبی و قومی برای تعیین خط مشی سیاسی و اقتصادی حکومت تشکیل گردد . طرد و نفی و تخطئه افراد و احزاب و جمعیت‌ها به علت داشتن عقاید و نظریات و افکار خاص سیاسی یا به علت مشی و منش و روش سیاسی و اجتماعی خاص ، مغایر با اصل آزادی و منافی وحدت و اتفاق و از بین‌برنده آثار انقلاب می‌باشد . ایجاد هرگونه اختناق و تجاوز و حمله و تعدی به حریم آزادی افراد و اجتماعات و مؤسسات از قبیل دفاتر و ادارات روزنامه‌ها و کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها محکوم است .

کنگره مایل است که همه ساله در زادروز دکتر « محمد مصدق » یعنی روز بیست و نهم اردیبهشت اجتماع بزرگ حقوق‌دانان کشور به منظور پاسداری از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تشکیل و نبرد پی‌گیر حقوق‌دان‌های کشور را علیه هرگونه اختناق و بی‌عدالتی سازمان دهد .

به نوشته روزنامه اطلاعات ، با پایان یافتن کنگره ، دکتر خلیل آذر پشت تریبون قرار گرفت و

طی سخنانی به تصمیم هیئت مدیره درباره رد تحصن اعتراض کرد و عده‌ای از وکلان نیز گفته‌های او را تأیید کردند . سرانجام طرفداران این فکر قرار گذاشتند ، درخواست‌های خود را به صورت کتبی تسلیم دولت نمایند و چنانچه خواست‌های آنان مورد رسیدگی قرار نگیرد ، در دادگستری تحصن اختیار نمایند . ( ۲۹ ) ( خبر ضمیمه دارد )

۲۵۶

آیت‌الله دکتر بهشتی ( یکی از اعضای شورای انقلاب ) در کانون توحید سخنانی ایراد کرد که روزنامه جمهوری اسلامی آن را « شرح علل نگرانی‌های عمیق امام » توصیف کرد و نوشت : « ناظران سیاسی برای سخنرانی بهشتی اهمیت خاصی قائلند . این سخنرانی می‌تواند تا



آیت‌الله دکتر سید محمد حسین بهشتی

از اعضای شورای انقلاب



حدودی رهنمود ما باشد به علل نگرانی‌های عمیق امام و مردم در مورد فعل و انفعالات سیاسی مشکوکی که اینک در این کشور جریان دارد. « دکتر بهشتی در این سخنرانی به نگرانی‌های امام در زمان کنونی اشاره کرد و گفت :

در این ایام و در این روزها رهبر عالی قدر مبارزه « امام خمینی « نگران آن شده‌اند که گروه‌های اجتماعی دیگر - که آنها هم مبارزه داشته‌اند و مبارزه کرده‌اند ، آنها هم سابقه‌های طولانی مبارزه دارند و سوابقشان را نمی‌خواهیم نادیده بگیریم - آنها به دلیل این که در طول دو سال اخیر ، بخصوص در طول دو سال اخیر ، البته در سال‌های قبل هم برخی از این گروه‌ها آمده بودند به میدان این مبارزه ، ولی بخصوص در طول دو سال اخیر آمدند و به صفوف انقلابیون با آرمان خالص اسلامی پیوستند . اینها بخواهند در مرحله جدید از مبارزه ما بار دیگر مبارزه و انقلاب ما را که در مقطع جدید خصلت و ماهیت کاملاً اسلامی و رهبری کاملاً اسلامی پیدا کرده ، بکشاند به سمت آن نوع رهبری و آن نوع اندیشه اجتماعی و آن رنگی از مبارزه که قبل از سال ۱۳۴۱ داشت ، بخواهند بار دیگر مبارزه تمام عیار اسلامی ما را صرفاً یک مبارزه ملی ، یک مبارزه لیبرالیستی ، یک مبارزه برای دست‌یابی بر رفاه بیشتر اقتصادی و امثال اینها کنند ، این نگرانی در ایشان به وجود آمده است .

... اما در این ایام به صورت مکرر تأکید می‌کنند که ما و ملت ما و انقلاب ما در این مقطع اخیر انقلابی است صرفاً خواستار تحقق یافتن نظام حق و عدل اسلامی است به صورت خالص و اصرار دارند که وقتی در این مقطع نیروهای عمده انقلاب نیروهایی هستند که با انگیزه اسلام و با رهبری اسلامی به میدان مبارزه و شهادت گام نهاده‌اند ، باید این انگیزه و این خصلت و این ویژگی نگرانی شود و می‌گویند آوردن هر تعبیر دیگر جز جمهوری اسلامی ، این نگرانی را بیشتر می‌کند که مبدا دستی در کار باشد که بخواهد جهت قاطع و روشن انقلاب را تغییر دهد ، چون در این تغییر بی شک این بیم و نگرانی وجود دارد که اصولاً اصل انقلاب به خطر بیفتد .

... حساسیت ایشان در مورد اسلامی نگه‌داشتن انقلاب ، به صورت کامل و محکم نگه‌داشتن پیوند انقلاب با روحانیت مؤمن مبارز متعهد آگاه بدین جهت است . بدین جهت است که به همان دلیل در این مقطع زمانی حضور این دو عامل نقش بنیادی و قاطع و تعیین‌کننده در پیروزی انقلاب و به ثمر رسیدن همه گروه‌ها داشته است . در تداوم آن نیز این دو ، نقش تعیین‌کننده خواهد داشت . نگرانی ایشان این است که یک عده میراث‌خوار انقلاب پا به میدان بگذارند و بگویند انقلابی که تحت تأثیر این دو عامل قاطع تعیین‌کننده به ثمر رسیده ، حالا میراثش را بگذارید در اختیار ما ، ما می‌خواهیم او را ادامه بدهیم . این البته جای نگرانی است و متأسفانه ما سر و کله این میراث‌خوارها را در این ماه‌های اخیر به شکل‌های گوناگون در کنفرانس ها ، سخنرانی‌ها ، در مقالات و نوشته‌ها و در مجامع دیگر مکرر می‌بینیم و روز به روز نگرانی ایشان بیشتر می‌شود .

دکتر بهشتی با اشاره به سخنان حسن نزیه در کنگره اخیر کانون وکلا گفت : فرد یا گروهی که

این دید را در رابطه انقلاب ما با اسلام دارد ، آیا نسبت به انقلاب پیروزمند ما در این مقطع اخیر خودی است یا بیگانه ؟ فرد یا گروهی که در تعریف و رابطه با انقلاب تو می گوید اگر ما فکر کنیم تمامی مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی را می توانیم در قالب اسلامی بسازیم ، آیات عظام هم می دانند این امر در شرایط حاضر نه مقدور است ، نه ممکن و نه مفید . آیا تو ای اکثریت قاطع ملت انقلابی و ای نسل جوان انقلابی و ای روحانیت انقلابی متعهد مبارز و ای دانشگاهیان متعهد مبارز و ای کارگران و کشاورزان و پیشه‌وران و زنان و مردان و فرهنگیان و کارمندان مبارز انقلابی ، آیا چنین افراد و چنین گروه‌هایی را در رابطه با خط انقلابی‌ات خودی می‌دانی یا بیگانه ؟

...

همین آقای گوینده این سخن و همفکرانش در مبارزات ملی گذشته اینها به پاریس آمده بودند تا امام خمینی را تا رهبر عالی‌قدر ملت انقلابی ، رهبر عالی‌قدر ما و شما را ، همه‌مان را به خیال خودشان قانع کنند که ایشان بپذیرند که راه‌حل بحران سیاسی و اجتماعی ایران قبول کردن انتخابات آزاد بختیار با قبول رژیم است .

مطلب من با این افراد و این گروه‌ها این است اقلأً بگذارید ماها بمیریم ، ماها که از نزدیک در بحث‌هاتان بوده‌ایم دیگر نباشیم بعد بیایید خودتان را به عنوان متولیان انقلاب ایران جا بزنید . بحث‌هایی بوده است ، خود من حضوراً در آنها شرکت داشته‌ام که این آقایان تأکید داشتند که پافشاری امام در نبودن شاه بی‌جا و یک آرمان ایده‌آلیستی است . وقتی بعد یک پله تنزل کردند گفتند خیلی خوب حالا شاه هم نباشد ولی ایشان شورای سلطنت و ولیعهد و انتخابات آزاد زیر نظر شورای سلطنت را قبول کنند و در این مسئله پافشاری و تأکید داشتند . حالا اگر رهبر انقلاب نگران آن باشد که این آقایانی که در همین پنج شش ماه قبل در پاریس حضوراً این بحث‌ها را مطرح می‌کردند و قبل از آن با خود بنده و جمع دوستان در ایران مکرر مطرح می‌کردند ، مبادا اینها بخواهند انقلاب اسلامی ما را به سمت یک دمکراسی غربی ، یک لیبرالیسم غربی ، یک سوسیال دمکراسی شرقی یا یک « لیکموش » \* نه شرقی نه غربی بکشانند . اگر رهبر انقلاب نگران باشند و حساس باشند ، جا دارد این حساسیت و این نگرانی ایشان یا جا ندارد ؟ بجاست این حساسیت ایشان .

دکتر بهشتی در پاسخ به این سوال که با شناختی که شما از این اشخاص دارید چرا پست‌های حساس اقتصادی در مملکت را به آنها واگذار کرده‌اید ؟ گفت : ما با این واگذاری‌ها از روز اول هم

\* منظور شهید بهشتی از ذکر استعاره " لیکموش " اشاره به غیر واقعی و غیر موجود بودن نظامی است که در بسیاری از شعارها و درخواست‌های منتقدان نظام جدید ، در قالب توقعات غیر ممکن ، درخواست می‌شود . استعاره لیکموش را دکتر بهشتی از یک طنز ادبی قدیمی گرفته است که مضمون آن چنین است : شخصی این شعر را در توضیح ضرب‌المثل دست بالای دست بسیار است ، می‌خواند :

گرچه شیر است در گرفتن موش      لیک موش است در مصاف پلنگ

مستمعی که درباره ادبیات و شعر پرگویی عوامانه می‌کرد ، پرسید : لیکموش چه حیوانی است ؟ آن شخص جواب داد : لیکموش حیوانی است که از موش بزرگتر و از گرچه کوچکتر و بسیار خطرناک است .

موافق نبودیم ، ما می دانستیم کسانی که تا پنج ماه قبل می توانستند انتخابات آزاد بختیار را کلید حل مشکل این مملکت قرار دهند ، اینها اگر بیایند حتی در این پست های اقتصادی قرار بگیرند آن وقت روزی شروع می کنند برای انقلاب ما دلسوزی های چنین کردن ...

افراد و گروه هایی ... به دلیل این که با مرحوم دکتر مصدق پیوند و رابطه و دیدار داشته اند نغمه هایی را آغاز کرده اند که این نغمه ها برای انقلاب ... و جهت اسلامی انقلاب خطرناک است ... من فعلاً نمی خواهم بگویم اینها خائنند یا نه ، باید اینها محاکمه شوند تا معلوم شود با چه انگیزه ای می گویند اسلام نمی تواند راه حل باشد ... اگر صرف یک اظهار نظر است ، اظهار نظر آزاد است . در این مملکت کسانی هستند که می گویند اصلاً خدا نیست و ما هم متعرض آنها نیستیم . ولی اگر بیش از یک اظهار نظر باشد ، اگر بخواهد مسئله آغاز یک توطئه باشد ، هشدار باش می دهیم ...

شما خیال کردید با یک کنگره چند صد نفری با نام دهان پرکن حقوق دان ها و وکلای دادگستری می توانید جامعه انقلابی ما را مرعوب کنید ؟ شما خیال کردید که حقوق دان در این مملکت منحصر به این چند صد نفری است که آن جا گرد آمده اند ؟ شما فکر کرده اید که اندیشمندان کشور منحصر در این گروه های معدود هستند ؟ مبادا ، مبادا کنگره های شما نسخه دوم کنگره های اندیشمندان شاهنشاهی باشد و نگران آن هستم که اگر پرونده این گردآمدگان را یک یک بررسی کنیم ، در میان آنها و در صفوف آنها نام این اندیشمندان را هم مکرر بیابیم . البته رسیدگی خواهیم کرد . (۳۰)

## ۲۵۷

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد و شروع به کار مراکز سپاه در شهرهای مختلف کشور را اعلام کرد . این ستاد تأکید کرد : تا این تاریخ ( ۵۸/۳/۸ ) ستاد فرماندهی سپاه در شهرهای مشهد ، ارومیه ، قهرمانشهر ( کرمانشاه ) ، همدان ، یزد ، کرمان ، اراک ، سمنان ، رشت ، لاهیجان ، کاشان ، پاره و بوشهر تشکیل شده و شروع به فعالیت کرده است و در شهرهای بسیار دیگر مقدمات تشکیل سپاه انجام گرفته است . ستاد مرکزی سپاه از مسئولان کمیته ها و پاسداران در شهرهایی که ستاد فرماندهی ندارند خواسته است هرچه زودتر با مراکز استان که ستاد فرماندهی دارد و یا به ستاد مرکزی سپاه مراجعه کنند تا مقدمات تشکیل ستاد فرماندهی انجام گیرد . ستاد مزبور یادآور شد که در هر شهر که ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل می گردد ، کلیه نامه ها و برگ مأموریت ها دارای آرم مخصوص سپاه و مهر مخصوص با امضای مسئول مربوط می باشد و هیچ کس به هیچ عنوان نمی تواند تحت نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدون داشتن مجوز از ستاد فرماندهی سپاه پاسداران ، اقدامی نماید . (۳۱)

## ۲۵۸

از نیروی هوایی به عنوان سیاسی ترین بخش ارتش ، بیش از سایر نیروها در مراسم متعدد جریان های سیاسی مختلف نمایندگانی حاضر می شوند . در واقع مسابقه نفوذ در این نیرو بین

همه جریان‌های موجود وجود دارد. در واکنش به این گونه تلاش‌ها برای نفوذ علنی و مخفیانه، امروز در کیهان مطلبی با عنوان «اعلامیه نیروی هوایی جمهوری اسلامی» درج شد که در آن با لحن بی سابقه‌ای شدید علیه گروه‌هایی همچون سازمان چریک‌های فدایی خلق موضع‌گیری شده، در این اعلامیه آمده است: «آوای شوم ضدانقلاب با تاکتیکی جدید به گوش می‌رسد، آوایی خفیف و محکوم به مرگ و زوال. ما آگاهی تمام داریم که مزدوران سرسپرده بیگانه و رژیم سابق از هر راه ناجوانمردانه‌ای که امکان آن باشد، تصمیم به منحرف ساختن انقلاب پاک اسلامی ما دارند.

ای ضدانقلاب، اگر دیروز می‌دیدید شعارهای نقش بسته بر در و دیوار، شاه را فرار داد و بساطش را متلاشی کرد به این خاطر بود که آن شعارها به وسیله افرادی پاک با دست‌هایی مقدس و با خطی کج و معوج نوشته می‌شد و تنها از آن رنگ و بوی صداقت و عشق و ایمان به مشام می‌رسید. اما شعار تو، مزدور! سراسر فریب و نیرنگ است. بر دیوار می‌نویسی: فدایی، همافر، پیوندتان مبارک! عجب از این نیرنگ تو! تو از راه کارگر نتوانستی ضربت خود را فرود آوری، از طریق برزگر نتوانستی نیش زهرآگین خود را بر قلب ملت ما فرو ببری، از طریق حجاب بانوان مسلمان هم نتوانستی به نیت پلید خود برسی، از هر راهی که بیایی ترا طرد خواهیم کرد. از ما عکس‌العملی جز دست رد به سینه ات نخواهی دید. دور شو ای دشمن راستین خلق در هر جامه و لباس و نیرنگی تازه، ما هیچ پیوندی با شما و هیچ کس دیگری که بر خلاف مسیر انقلاب راستین اسلامی و حقوق مسلم و حقه ملت عزیزمان حرکتی داشته باشد، نداریم، ما متعلق به ایران هستیم نه ...



داریوش فروهر

وزیر کار و امور اجتماعی دولت موقت

قاطعانه اعلام می‌داریم که ایدئولوژی ما اسلام، رهبر ما امام خمینی، دستورالعمل زندگی ما قرآن و مأموریت ما حفظ و حراست ایران و ملت ایران در پناه و به یاری دستورات قاطع اسلامی است و تا آخرین قطره خون ناقابل خویش را در راه حفظ ثمرات این انقلاب تقدیم خواهیم کرد. « (۲۲)

۲۵۹

خبر مخابره شده توسط خبرگزاری‌ها مبنی بر این که «آیت الله خلخالی» در دویی گفته است که «به جای خلیج فارس یا خلیج عربی، خلیج اسلامی به کار رود»، واکنش سریع برخی از دولتمردان دولت موقت را در پی داشت. از جمله دکتر «ابراهیم یزدی» وزیر امور خارجه

ایران در مصاحبه مطبوعاتی گفت: « نظر دولت تا وقتی تغییر نکند همان خلیج فارس است. » « داریوش فروهر » وزیر کار و امور اجتماعی نیز در این باره گفت: « من کاری به گفته‌های خلخال یا دیگران ندارم، عقیده شخصی من درباره خلیج فارس این است که خلیج فارس نامی است تاریخی که هیچ قدرت بشری توانایی دگرگونی آن را ندارد. » (۳۳)

۲۶۰

قرارگاه سیا در تهران به کفالت « گلگروف » در تلگرامی به رئیس سیا در واشنگتن - با قید سری - آخرین اقدامات انجام شده برای نزدیکی با آیت الله شریعتمداری را گزارش داده است. در این گزارش می‌خوانیم:

« اس. دی. ولید / ۱ [ نام واقعی نامعلوم ] گزارش داد که در ورود به منزل شریعتمداری وی متوجه حضور بسیاری افراد ایلاتی آذربایجانی مسلح هم در محوطه بیرونی و هم اندرونی منزل شد. و / ۱ گفت که این چیز تازه‌ای بود، در آخرین دیدار وی به تاریخ ۱۰ اردیبهشت محافظی در آن جا نبود و بدون شک این امر را می‌توان نتیجه موج حملات علیه چهره‌های مذهبی برجسته دانست.

- شریعتمداری فوراً و / ۱ را دعوت کرد داخل شود. و / ۱ به شریعتمداری گفت که پس از آخرین ملاقاتش با یکدیگر، وی در تماس با « دوستان امریکایی » بوده است. آن دوستان باردیگر نسبت به شریعتمداری ابراز احترام نموده و اظهار داشته بودند که می‌دانند او می‌خواهد در صحنه سیاسی ایران چه بکند. آن‌گاه شریعتمداری گفت که حزب سیاسی که او آن را حمایت می‌کند به کمک احتیاج دارد. حزب حدود دو میلیون عضو دارد اما کارهای زیادی باید انجام گیرد. و / ۱ گفت که دوستان امریکایی شاید مایل باشند درباره این امور مذاکره کنند و آیا کسی هست که و / ۱ بتواند اسمش را در این رابطه بدهد؟ شریعتمداری آن‌گاه گفت که آنها می‌توانند با سران حزب ما صحبت کنند؟ شریعتمداری از و / ۱ خواست که به حزب بپیوندد و گفت که حزب محتاج افراد تحصیلکرده بیشتری است که آگاهی سیاسی داشته باشند. و / ۱ گفت که بهتر آن است که این تماس‌ها با دوستان توسط فردی صورت پذیرد که شریعتمداری کاملاً به وی اعتماد داشته باشد و مطمئن باشد که این امور را محرمانه نگاه می‌دارد. به نظر رسید که شریعتمداری موافق بود و نام پسرش سیدحسن شریعتمداری را به و / ۱ داد و گفت که هر کدام از دوستان را که می‌خواهد نزد حسن ببرد. به نظر و / ۱ شریعتمداری دقیقاً می‌دانست چه نوع رابطه‌ای در حال برقراری بود و بخوبی می‌داند که « دوستان امریکایی » همان دولت امریکا است.

- و / ۱ سپس به ملاقات حسن ( شریعتمداری ) رفت و آنچه را که بین او و پدرش روی داده بود توضیح داد. طی آن ملاقات، حسن نشانی و تلفن خود در تهران را به و / ۱ داد ...

- در ملاقات ۷ خرداد که اطلاعات فوق در آن به دست آمده، « گلگروف » به و / ۱ گفت که ( جریان را ) ادامه دهد و با حسن ملاقات کند اما نوعی بهانه هم دست و پا کند برای این که از سرعت جریانات برای مدت کوتاهی کاسته شود.

... به نظر می‌رسد که و / ۱ کاری عالی انجام داده و یک کانال مستقل محتاط و ظاهراً بسیار قابل اطمینان به شریعتمداری برای ما تهیه کرده است . « (۳۴)

### ضمیمه ۱ خبر شماره ۲۵۵

محمود اخوان بیطرف ( حماد شیبانی ) در سال ۱۳۵۷ به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران پیوست و در همان سال به سرپرستی دفتر نمایندگی سازمان در لبنان گمارده شد . پس از پیروزی انقلاب ، سازمان دفتر خود را در لبنان تعطیل کرد و وی با مقدار زیادی کتاب ، نشریات سازمان و اسلحه و تجهیزات به کشور منتقل شد . در فرودگاه مهرآباد محموله همراه وی ضبط شد اما خود وی آزاد گردید . در روز ۱۵ فروردین به هنگامی که برای بدرقه اسقف کاپوچی و خروج غیرقانونی دو تبعه عراقی به فرودگاه رفته بود ، به دست پاسداران انقلاب به سرپرستی شهید محمد منتظری - که وی را می‌شناخت - به جرم حمل و قاچاق سلاح به داخل کشور و خروج غیرقانونی اتباع بیگانه دستگیر شد ( اخبار مربوط به دستگیری حماد شیبانی و بازتاب آن در روزشمار ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ به بعد آمده است ) .

### ضمیمه ۲ خبر شماره ۲۵۵

بخش‌های مهم سخنرانی دکتر کاشانی که بنا بود در کنگره قانون و کلا ایراد شود ولی به دلیل وجود جو خاص حاکم بر کنگره امکان‌پذیر نگردید ، به شرح زیر است : « اکنون هنوز چهار ماه از این انقلاب نگذشته است و در این فاصله نسبتاً کوتاه طرح قانون اساسی آینده ، مراحل نهایی خود را می‌گذراند و این طرح همان طور که از طرف امام ، رهبر انقلاب وعده داده شده است ، در معرض مطالعه و بررسی تمام افراد مملکت قرار می‌گیرد و بر حقوق دانان و اهل فن لازم است که با صداقت انقلابی نقطه‌نظرهای خویش را در جهت تکمیل این طرح ابراز کنند . اگر دولت در تهیه و ارائه این طرح تأخیری مرتکب شده است من نه عضو دولت و نه مدافع آن هستم ولی باید توجه داشت که این دولت وارث نابسامانی‌های رژیم گذشته است و اگر این انقلاب توانسته است در ظرف چهار ماه طرح قانون اساسی در اختیار ملت قرار دهد این امر نشانه بارزی است بر این که انقلاب اسلامی ما یک انقلاب آزادیبخش است . در این قانون اساسی کلیه آزادی‌های فردی و اجتماعی پیش‌بینی خواهد شد و من بشدت از گفته‌های عده‌ای از کسانی که در این کنگره با کلمات خود نسبت به این قانون اساسی پیش‌داوری کردند و چیزهایی نظیر تهمت و افترا بیان کردند ، متأسفم . باید عینک بدبینی را از چشم برداریم و از قصاص قبل از جنایت امتناع کنیم ، این امر درخور یک وکیل دادگستری که همیشه باید مدافع حق و حقیقت باشد ، نیست . من نمی‌دانم چگونه بعضی از ناطقین در این کنگره به خود اجازه دادند که درباره یک قانون اساسی که هنوز طرح آن از طرف دولت اعلام نشده است به داوری بنشینند و از قبل آن را تخطئه و محکوم نمایند ! ... امام خمینی در بیانیه‌ای که اخیراً خطاب به دولت صادر فرمودند نه تنها تسریع در انتشار طرح قانون اساسی را خواستار شدند بلکه صریحاً اعلام نمودند که هرچه زود این طرح را در معرض مطالعه اهل نظر و حقوق دانان قرار گیرد و به تصویب ملت شرافتمند ایران برسد . با این حال جای تأسف است که با وجود این تصریح و تأکیدات قاطع رهبر انقلاب ، در این کنگره شنیده شده که

می‌خواهند قانون اساسی را در اتاق‌های دربسته تصویب کنند و به خورد این ملت بدهند. من صریحاً اعلام می‌دارم که وکلای شریف دادگستری ایران و حقوق‌دانان این مملکت با کسانی که این‌گونه ناجوانمردانه تهمت و افترا می‌زنند، همصدا نیستند و این تهمتها را محکوم می‌کنند.»

دکتر کاشانی با اشاره به انتقادات صورت گرفته در کنگره از عملکرد دادگاه‌های انقلاب اسلامی و مجازات‌های واپس‌گرایانه رژیم گذشته، افزود: «شرایط انقلاب با اوضاع و احوال عادی و معمولی متفاوت است. باید هرچه زودتر نظم و آرامش در این مملکت آشفته اعاده شود. برقراری این امنیت و آرامش، محاکمه و مجازات جنایتکاران و خائنینی بود که سالیان دراز به حقوق این ملت تجاوز کرده‌اند و با قبول جاسوسی برای امپریالیست‌ها و استعمارگران بزرگترین خیانت‌ها را به ملت مرتکب شدند.

... محاکمه و مجازات این جنایتکاران طبق خواست ملت در محاکم انقلابی صورت گرفت و این امر در درجه اول از خواست‌های اساسی انقلاب بوده است... در چنین شرایطی صحبت بر سر این مطرح شده است که چرا در این محاکمه انقلابی اجازه شرکت وکلای دادگستری داده نشده است... در یک شرایط انقلابی و استثنایی چگونه می‌توان انتظار داشت که محاکمه خائنین به ملت را در پیچ و خم تشریفات دادرسی قرار داد.

در انقلاب شکوهمند ایران... سقوط رژیم سلطنت را همین روحانیت و مرجعیت و توده عظیم مردم می‌خواستند نه دیگران. گروه‌هایی که برای آزادی مبارزه می‌کردند و اکثریت آنها نیز حسن‌نیت داشتند، هیچ‌گاه در مقام سقوط رژیم نبودند، آنها می‌خواستند شرایط مساعدی با کمک ابرقدرت‌ها پیش آید و یک آزادی و استقلال نسبی با حفظ سلطنت شاه تأمین و آنها متصدی مقامات مملکتی باشند و از این راه به اداره مملکت به وضعی که صلاح می‌دانند بپردازند، چنانچه وقتی شاه مخلوع مجبور شد فضای باز سیاسی را اعلام نماید، سازشکاران را نه به نوعی حکومت به اصطلاح ملی تن می‌دادند. این روحانیت و عده کثیری از مبارزین اصیل بودند که تسلیم نشدند، این امام بوده که این پیشنهادها را غیرقابل قبول دانست.» ناطق با اشاره به انگیزه تشکیل کنگره گفت:

«... چنین برمی‌آید که هدف از برگزاری این کنگره بر خلاف آنچه در سایر کنگره‌ها معمول و مطلوب است، ارائه رهنمودهای سازنده به دولت و مقامات مسئول نبوده بلکه بیشتر در جهت تخطئه آن سیر می‌کند. تنی چند از همکاران ما در مقام ایراد به اشخاص، به طور غیرمنصفانه مسیر انقلاب و ایدئولوژی آن را مورد انتقاد قرار دادند... زیرا در اکثر موارد متن گفتارها با موضوع سخنرانی و با آنچه در دعوت‌نامه کنگره ذکر شده بود، مطابقت نداشت و این انحراف از دستور جلسات سخنرانی این توهم را شدیدتر ساخت که هدف از برگزاری کنگره چیزی غیر از تعاطی افکار و ارائه رهنمودهای سازنده به مقامات و رهبری انقلاب بوده است. این انحراف از مسیر تا جایی پیش رفت که توده مردم که تحت تأیید احساسات پاک مذهبی و با بینش انقلابی خود، رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان رژیم سیاسی مملکت انتخاب کرده‌اند، به گوسفند تشبیه شدند.

... اختناقی که از آن سخن می‌گویند، کجاست و سانسوری که مدعی هستند در مطبوعات هست، کو؟ در هیچ کشور اروپایی این تعداد نشریه با دیدگاه مختلف منتشر نمی‌شود. کتب کمونیستی که در ظرف چند

ماه اخیر در ایران چاپ شده است معادل با تمامی کتبی است که از انقلاب شوروی به بعد نوشته شده است؛ تا به حال کدام آزادی سلب شده؟ چاپ کدام کتاب و نشریه را مانع شده‌اند که فریاد آزادی رفت را سر داده‌اید.

... این که اشتباهاتی در کار دولت وجود دارد، هیچ جای تردید نیست ولی ... متأسفانه کلمات و لحن سخنرانی با کیفیت انتقاد رژیم طاغوتی هیچ تفاوتی ندارد ... در سخنرانی بعضی از ناطقین از دورنمای امپریالیسم سخن به میان آمد در حالی که ملت ما دست عمال و ایادی امپریالیسم را قطع کرده و خواهد کرد به طوری که سنای امریکا، این کانون سیاست‌های امپریالیستی به وحشت افتاده است. « (۳۵)

### ضمیمه ۳ خبر شماره ۲۵۵

با برگزاری کنگره مزبور و نتایج حاصله از سخنرانی‌ها، قطع‌نامه و پیام پایانی کنگره، گامی آشکار در صفتبندی و تقابل هرچه روشن‌تر جریان‌های معتقد به اندیشه اسلامی و دیگران برداشته شد. با توجه به پتانسیل انقلابی و توانایی‌های اجتماعی، فرهنگی و مردمی جریان‌های مذهبی - انقلابی پیرو امام، برداشتن چنین گام‌هایی به معنای نوعی اتمام حجت و مجوزی برای دفاع از آنچه به عنوان روح و ماهیت انقلاب تلقی می‌کردند، بود. ضمن این که در این مسیر، دولت موقت نیز وضعیت و ماهیتی دوگانه می‌یافت: از سویی قربابت با حاکمیت اسلامی و از سوی دیگر نزدیکی با چنین جریاناتی را از خود نشان می‌داد. عناصری در این دولت که استعداد بیشتری برای غلتیدن به صف مخالفان اسلامیت نظام جدید داشتند، هرچه زودتر و بیشتر، به رویارویی با بدنه اصلی انقلاب کشیده می‌شدند. مهم‌تر از همه این که روح حاکم بر این کنگره، آشکارا در مخالفت با نظرهای امام قرار داشت و این در وضعیت موجود، به هیچ وجه نمی‌توانست مشروعیتی همراه داشته باشد. از واکنش‌های فوری در قبال این ماجرا، می‌توان به انتشار متن سخنرانی انجام نشده یک حقوق‌دان مسلمان (دکتر کاشانی) و بخصوص از سخنرانی منتقدانه دکتر بهشتی در کانون توحید یاد کرد (بخش‌هایی از این دو مطلب در ضمیمه این خبر و در خبر بعدی آمده است). توجه به همین اندازه واکنش نیز نشان‌دهنده شکاف و تفاوت عمیقی است که بین دو جریان کلی متقابل وجود دارد. شکافی که بخصوص امثال متین‌دفتری و تا حدی نزیبه عمق مهلک و نابودکننده آن را، اگر باز می‌شد، متوجه نبودند و با ارزیابی غلط از توانایی‌های طبیعی طرفین، بر باز کردن و آشکار نمودن و رسمیت دادن به این شکاف، اصرار می‌ورزیدند. اصراری که از سویی موقعیت خود آنان را هرچه بیشتر بی‌آینده می‌کرد و از سویی طرف مقابل را که تجربه کافی سیاسی نداشت، هشیار می‌نمود و قدم به قدم آموزش می‌داد که یاد بگیرند چگونه از قدرت عظیمی که در اختیار دارند برای دفع و طرد رقبای پر سر و صدا اما کم پشتوانه، استفاده کنند. این قدرت بزرگ از سه منبع عظیم تغذیه می‌شد که در وضعیت کنونی، اتحاد و ترکیبی بسیار مستحکم یافته بودند: مردم، شخص امام و عقیده و ایمان اسلامی. جریان اصلی انقلاب، هر روز بیشتر از پیش، این قدرت را، یعنی قدرت خویش را می‌شناخت و بهتر و بیشتر به آن اتکا می‌کرد.



## منابع و مأخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۸

- ۱ - روزنامه بامداد ۱۳۵۸/۳/۹ ، صص ۲ - ۱ .
- ۲ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۲ .
- ۳ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۹ ، ص ۷ .
- ۴ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸ ، ص ۱ .
- ۵ - سند شماره ۴۵۴ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : سلسله تحقیقات تاریخی جنگ - ۱ ، " جنگ در خرمشهر " ، ص ۴۷ .
- ۶ - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۲ ، ص ۱ .
- ۷ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۷ .
- ۸ - مأخذ شماره ۴ ، صص ۲ - ۱ .
- ۹ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۷ .
- ۱۰ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۷ .
- ۱۱ - مهدی انصاری ، محمد درودیان ، هادی نخعی ، خرمشهر در جنگ طولانی ( تهران : مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، چاپ اول ، ۱۳۷۵ ) ص ۶۱ .
- ۱۲ - مأخذ شماره ۶ ، ص ۱ .
- ۱۳ - نشریه کار ، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ، سال اول ، شماره ۱۶ ، ۱۳۵۸/۳/۳۱ ، ص ۵ .
- ۱۴ - خبرگزاری پارس ، گزارش‌های ویژه ، نشریه شماره ۶۸ ، ۱۳۵۸/۳/۱۰ ، صص ۶ - ۵ ، یونایتدپرس .
- ۱۵ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۴ .
- ۱۶ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸ ، ص ۱۱ .
- ۱۷ - مأخذ شماره ۴ ، ص ۳ .
- ۱۸ - مأخذ شماره ۳ ، ص ۷ .
- ۱۹ - مأخذ شماره ۱ ، ص ۲ .
- ۲۰ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۸ ، ص ۶ .
- ۲۱ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۶ ، ص ۱۲ .
- ۲۲ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۷ ، ص ۸ .
- ۲۳ - روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۳/۷ ، ص ۳ .
- ۲۴ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۸ ، ص ۱۲ .
- ۲۵ - مأخذ شماره ۴ ، ص ۸ .
- ۲۶ - مأخذ شماره ۴ ، ص ۸ .
- ۲۷ - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۹ ، ص ۷ .
- ۲۸ - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۰ ، ص ۷ .
- ۲۹ - مأخذ شماره ۴ ، ص ۸ .
- ۳۰ - مأخذ شماره ۲۸ ، ص ۳ .
- ۳۱ - مأخذ شماره ۲۰ ، ص ۸ .
- ۳۲ - مأخذ شماره ۲۰ ، ص ۴ .
- ۳۳ - مأخذ شماره ۲۰ ، ص ۵ .
- ۳۴ - دانشجویان پیرو خط امام ، اسناد لانه جاسوسی آمریکا ، جلد ۵۵ ( تهران : نشر لانه ) ، صص ۶۵ - ۶۲ .
- ۳۵ - مأخذ شماره ۲۸ ، ص ۷ .